

طرح درس داستان «افسانه گل‌های آبی»

مردم قبیله «کومانچی» که گرفتار خشکسالی شده بودند، سه روز تمام با آوای طبل چرخیدند و به آسمان نگاه کردند و انتظارکشیدند، اما باران نبارید. شمن با روح بزرگ سخن گفت: «مردم خودخواه شده‌اند، سال‌هاست که از زمین برداشت می‌کنند بی‌آنکه چیزی به آن برگردانند. روح بزرگ می‌گوید که مردم باید ایثار کنند». در میان قبیله دختر کوچک تنهایی زندگی می‌کرد و عروسکی داشت که یادگار پدر و مادرش بود. او تصمیم می‌گیرد که عروسک عزیز خود را قربانی کرده و در آتش بسوزاند ...

کلیدواژه‌ها: ایثار، قربانی، فداکاری، سرخپوستان، مناسک دعا

اهداف:

- گسترش گنجینه‌ی لغات
- درک پیامهای اصلی داستان
- توانایی سخن گفتن در برابر جمع
- بحث و گفتگو و اظهار نظر درباره‌ی مطالب
- توانایی بیان احساسات، افکار و تجربه‌های درونی
- تقویت حساسیت نسبت احساسات دیگران
- شناخت خود
- بیان احساسات و تشریح وضعیت دیگران
- آشنایی با مقوله‌ی فداکاری و قربانی





گروه سنی: چهارم تا ششم دبستان

ابزار مورد نیاز: کتاب «افسانه گل‌های آبی»، کاربرگ به تعداد دانش‌آموزان، نقشه جهان. (در صورت تمایل به اجرای فعالیت، ابزار مربوط به فعالیت‌ها را جداگانه بررسی کنید.)

پیش از اجرای طرح:

برای دانش‌آموزان توضیح دهید که امروز می‌خواهیم داستانی از یک قبیله‌ی سرخپوست بخوانیم. از آن‌ها در مورد سرخپوستان پرسید و اینکه آیا می‌دانند سرخپوستان که هستند و چه ویژگی‌هایی دارند. روی نقشه قاره آمریکا را به بچه‌ها نشان دهید و توضیح دهید که سرخپوست‌ها ساکنان قاره آمریکا هستند که از زمان‌های خیلی خیلی دور، وقتی که هنوز هیچ‌کس در آمریکا زندگی نمی‌کرد، در این قاره زندگی می‌کردند.

سپس توضیح دهید که سرخپوست‌ها فرهنگ و آداب و رسوم خاص خودشان را دارند. لباس‌های خاصی می‌پوشند، در لباس‌هایشان از پرها و استخوان‌های حیوانات استفاده می‌کنند و برای حیوانات و طبیعت احترام زیادی قائلند. آن‌ها به خدایشان می‌گویند «روح بزرگ» و به روحانیونشان «شمن» می‌گویند. از نظر سرخپوست‌ها، روح بزرگ همان روح طبیعت است که در همه‌ی گیاهان، جانوران و انسان‌ها حضور دارد و همه چیز را مقدّس می‌کند.



در صورت تمایل عکس‌هایی از سرخپوستان به آن‌ها نشان دهید. سپس توضیح دهید که سرخپوستان نام‌هایی برای خود و فرزندان‌شان انتخاب می‌کنند که ممکن است کمی برای ما عجیب باشد. مثلاً ممکن است نام یکی از افراد قبیله «عقاب بزرگ» باشد یا نام یک نفر دیگر «دنبال‌کننده‌ی پروانه» باشد. ممکن است اسم یک سرخپوست «مهربان» باشد یا اسم‌هایی از این دست. ما امروز می‌خواهیم داستان دختری را

را بخوانیم که در یک قحطی و خشکسالی پدر و مادرش را از دست داده بود، به همین دلیل اعضای قبیله نام او را «دختر تنها» گذاشته بودند.

اجرای طرح: داستان را با نشان دادن تصاویر قصه‌گویی یا قصه‌خوانی کنید.



بحث و گفتگو (می‌توانید از بین سؤالات انتخاب کنید):

■ پرسش‌های درک مطلب:

۱. چرا مردم قبیله «کومانچی» نگران بودند؟ آن‌ها از روح بزرگ چه می‌خواستند؟
۲. چطور خشکسالی باعث بیماری و مرگ افراد شده بود؟
۳. «دختر تنها» که بود؟ چرا پدر و مادرش را از دست داده بود؟
۴. چرا «دختر تنها» عروسکش را خیلی دوست داشت؟
۵. روح بزرگ گفت که مردم خودخواه شده‌اند، چه شواهدی در قصه بود، که نشان می‌داد مردم خودخواه شده بودند؟ «دختر تنها» چه درسی به آن‌ها داد؟

■ پرسش‌هایی برای شناخت خود و دیگران:

۱. فکر می‌کنید که «دختر تنها» در دوران خشکسالی و قحطی چه احساسی داشت؟
۲. به نظر شما برخی از ویژگی‌های «دختر تنها» چه بودند؟
۳. فکر می‌کنید اگر «دختر تنها» عروسکش را قربانی نکرده بود، چه می‌شد؟
۳. اگر شما جای دختر داستان بودید، چه چیز ارزشمندی را قربانی می‌کردید؟
۴. به نظر شما پایان داستان تلخ است یا شیرین یا تلخ و شیرین با هم؟ چرا؟
۵. فکر می‌کنید چرا در پایان داستان نام دختر به «دختر عاشق» تغییر کرد؟
۶. اگر شما می‌خواستید نام دختر تنها را تغییر دهید در پایان داستان چه اسمی برای او انتخاب می‌کردید؟
۷. آیا می‌توانید یک نام سرخپوستی برای خودتان انتخاب کنید که شخصیت شما را نشان بدهد؟



فعالیت (در صورت تمایل):

۱. سرخپوست بازی کنید. از بچه‌ها بخواهید که وانمود کنند که سرخپوست هستند. گروه گروه دست هم‌دیگر را بگیرند و دور آتشی خیالی بچرخند و به زبان سرخپوستی (خیالی) برای همه‌ی مردم دنیا دعا کنند. (اگر دوست داشته باشند می‌توانند بعداً به بقیه کلاس بگویند که به زبان سرخپوستی چه دعایی کرده‌اند).

۲. تصویر زیر را برای دانش‌آموزان نمایش دهید. از آن‌ها بپرسید که در تصویر چه چیزهایی می‌بینند که نشان‌دهنده‌ی آداب و رسوم سرخپوست‌هاست. توجه آن‌ها را به لباس‌ها، موها، چادرها، شامان، پرهای لباس او و ... جلب کنید. آیا در این تصویر دختر تنها را می‌توانند پیدا کنند؟



۳. دانش‌آموزان را گروه‌بندی کنید. از هر گروه بخواهید که به این فکر کنند که اگر شمن به قبیله نگفته بود که چه کار بکنند، دختر تنها چگونه می‌توانست به مردم کمک کند؟ از هر گروه بخواهید که حداقل ۴ مورد را بیان کنند.

۴. بچه‌ها را گروه‌بندی کنید، از آن‌ها بخواهید که به راه‌هایی فکر کنند که می‌توانیم از آن طریق چیزی به زمین بازگردانیم. مثلاً بازیافت چیزها، تهیه کمپوست، کاشتن گل یا درخت و ... سپس در صورت امکان آن کار را عملی کنند.



۵. به بچه‌ها آموزش بدهید که با اثر انگشتشان گل‌های آبی بکشند و به یک دوست هدیه بدهند. همچنین می‌توانند گل‌های آبی بکشند و برای بچه‌های کلاس‌شان دعایی یا آرزویی برای آن دوستانش بکند و در کنار آن گل‌ها دعایش را بنویسد. سپس نمایشگاهی از گل‌ها و دعاها بچه‌ها درست کنید.

